

مترجم: ا.م. شیری

طلای بانکهای مرکزی: تاریخ مصادره آرام (۲)

<http://www.fondsk.ru/news/2013/05/12/zoloto-centralnyh-bankov-istor.iia-tihoj-ekspropriacii-ii-20372.html>

۳۰ جوزا ۱۳۹۲

۵— برآورد اریک سپروت (Eric Sprott): سرقت طلا از بانکهای مرکزی ادامه دارد

اریک سپروت، میلیاردر، سرمایه گذار مشهور با ۳۵ تجربه کار در بازارهای مالی، آگاه به ظرافت دادوستد فلز زرد، عقیده دارد، که شاخصهای مالی آشکارا بطور کامل میزان واقعی تقاضا به فلز زرد در بازارهای جهانی را نادیده میگیرد (او، در حدود ۴ هزار الی ۴ هزار و ۵۰۰ تن در سال ارزیابی میکند). طبق تخمین او، تقاضای واقعی برای فلز گرانبها در ده سال اخیر بطور میانگین ۲۳۰۰ تن بیشتر از رقم رسمی اعلام شده از سوی کمیته طلا و دیگر مؤسسات معتبر بوده است. اما عرضه طلا بحساب تولید جدید و قراضه، با میزان تقاضای واقعی به طلا در جهان مطابق نیست. یک منبع مخفی طلا برای تأمین پوشش تقاضای حساب نشده بمیزان تقریبا ۲۳۰۰ تن در سال وجود دارد. به باور اریک سپروت، کسری حجم فلز زرد مورد نیاز بازار، از خزانه بانکهای مرکزی تأمین میشود. بانکهای مرکزی کشورهای توسعه یافته اقتصادی، مثل آمریکا، اروپا، ژاپن و همچنین، مؤسسات بین المللی، مانده صندوق بین المللی پول و بانک مرکزی اروپا، که هر کدام ذخیره طلای خاص خود را دارند، چنین عرضه اضافی را از اول قرن حاضر بانجام رساندند. بر اساس گزارشات رسمی، مجموع ذخیره طلای اعلام شده از سوی بانکهای مرکزی و مؤسسات بین المللی در اولین دهه سده بیست و یکم تغییر جدی نیافته و در سطح ۲۳ هزار تن باقی مانده است.

اگر به مدعیات سپروت باور کنیم، در آن صورت، چنین نتیجه ای بدست میآید، که ذخیره طلای بانکهای مرکزی کشورهای توسعه یافته اقتصادی میتواند فقط به مدت ده سال تقاضای اضافی حساب نشده بازار را تأمین نماید. با این حساب، خزانه بانکهای مرکزی کشورهای منطقه «میلیاردرهای طلائی» اصولا باید تا سال ۲۰۱۱ خالی شده باشند. اما اکنون

در سال ۲۰۱۳ بسر میبریم. با وجود این، نباید فراموش کرد، که بر اساس ارزیابی فوق الذکر و نروزو، خزانه بانکهای مرکزی تا آغاز قرن بیست و یکم نیمه خالی بودند. هنوز در سال ۱۹۹۸، تقریباً نیمی از ذخایر رسمی طلای همه بانکهای مرکزی در خارج از محدوده بانکهای مرکزی در «گردش» بودند. به سخن واضح تر، از ۲۳ هزار تن ذخیره اعلام شده بانکهای مرکزی منطقه «میلیاردرهای طلائی» تا سال ۲۰۰۱، بواقع فقط ۱۱ هزار و ۵۰۰ تن طلا در خزانه باقی مانده بود. و این مقدار طلا میتواند تقاضای اضافی حساب نشده را در بهترین حالت، بمدت فقط پنج سال تأمین نماید. به سخن دیگر، خزانه طلائی «میلیاردرهای طلائی» میبایست نه در سال ۲۰۱۱، بلکه در سال ۲۰۰۶ خالی میشدند. این هم نوعی معما!

۶— نه تنها طلای خودیها، حتی طلای بیگانه ها را هم سرقت میکنند

اگر بخاطر بیاوریم، که بانکهای مرکزی برخی کشورها در خزانه خود نه تنها طلا، حتی فلز متعلق به خارجی ها (پیش از همه، متعلق به بانکهای مرکزی و خزانه داری سایر کشورها) را در ترازنامه های خود ثبت کرده اند، معما حل میشود. در هر حال، مؤسسات خصوصی، در رأس همه، بانکهای بزرگ از خدمات نگهداری بهره میبرند. در پی طرح مسئله عودت طلای آلمان از دیگر کشورها، متوجه شدیم که بیش از دو سوم از ۳۴۰۰ تن مجموع کل ذخیره رسمی طلای این کشور، در خارج، یعنی، ۱۵۳۶ تن در خزانه بانک فدرال رزرو نیویورک، ۳۷۴ تن در خزانه بانک مرکزی فرانسه و ۴۵۰ آن نیز در خزانه بانک مرکزی انگلیس نگهداری میشود.

اما اکنون سعی میکنیم مسئله طلای واقع در خارج از کشور را از جانب دیگری، از طرف آن کشورها که نقش «نگهبان» یا «خزانه دار» را بازی میکنند، مورد بررسی قرار دهیم. «نگهبانان» بزرگ زیادی در جهان وجود دارند. اینها عبارتند از آمریکا، انگلیس، فرانسه و همچنین سوئیس. بویژه، نقش نگهبان را در آخرین کشور نامبرده نه تنها بانک مرکزی (بانک ملی سوئیس)، حتی بانک تسویه های بین المللی مستقر در خاک این کشور نیز ایفاء میکند. در این فهرست کوتاه، سهم شیر همه طلای خارجی به دو کشور آمریکا و انگلیس تعلق میگیرد (به جدول نگاه کنید).

ذخایر طلای سپرده شده برای نگهداری در آمریکا و انگلیس (تا تاریخ اول اکتبر سال

مجموع	آمریکا	انگلیس	آمریکا و انگلیس،
۱- طلای متعلق به خود	۸۱۳۳ / ۵	۳۱۰ / ۳	۸۴۴۳ / ۸
۲- طلای خارجی			
به امانت گذارده شده	۶۲۰۰ / ۵	۵۰۶۷ / ۷	۱۱۲۶۸ / ۲
برای نگهداری			
۳- مجموع طلای متعلق			
به خود و خارجی	۱۴۳۳۴	۵۳۷۸	۱۹۷۱۲
۴- سهم طلای خارجی در			
حجم کل طلای به امانت	۴۱ / ۱	۹۴ / ۳	۵۷ / ۲
گذارده شده برای نگهداری، به %			

آمریکا و انگلیس در خزانه بانک فدرال رزرو نیویورک و بانک مرکزی انگلیس بیش از ۱۱ هزار تن طلای متعلق به کشورهای خارجی را نگهداری میکنند. شایسته توجه است که طلای کشورهای خارجی در انگلیس بیش از ۱۶ برابر بیشتر از ذخیره طلای کشور است و در آمریکا نسبت طلای کشورهای خارجی به طلای متعلق به خود، ۷۶ درصد میباشد. طلای کشورهای مشترک المنافع انگلیس (استرالیا، کانادا، هندوسنان و غیره) در بانک مرکزی انگلیس نگهداری میشود. امروز بانک مرکزی انگلیس نقش مهمی را نه تنها برای کشورهای مشترک المنافع، بلکه حتی برای کشورهای قاره اروپا بازی میکند. مثلاً، اطریش - ۸۰ درصد،

هلند- ۱۸ درصد و آلمان- ۱۳ درصد از کل ذخیره طلای خود را در بانک مرکزی انگلیس نگهداری میکنند. مشتریانی از سایر کشورها هم وجود دارند. بعنوان مثال، بانک مرکزی مکزیک ۹۵ درصد ذخیره طلای خود را در بانک مرکزی انگلیس نگهداری میکند. حتی مؤسساتی که بانکهای شمش نامیده میشوند (بانکهای خصوصی که با شمشهای فیزیکی طلا کار میکنند) نیز، ذخیره طلای خود را در بانک مرکزی انگلیس نگهداری میکنند. بخشی از طلای کشورهای خارجی بر اساس توافقنامه های نگهداری در بانک مرکزی انگلیس نگهداری میشود و اتفاقاً، هزینه نگهداری را هم خود مشتریان میپردازند. بخشی از طلاها در حسابهای پس انداز که درصد نیز به آنها تعلق میگیرد، نگهداری میشوند.

قدرتهای پولی کشورهای «میلیاردر طلائی» برای ادامه بازی با طلا، نیاز به آن دارند، که نه تنها به ذخیره فلز گرانبهای کشور خود، حتی به ذخایر طلائی که بعنوان امانت به آنها سپرده شده، دست درازی نمایند. محاسبه آن مشکل نیست، که طلای خارجی در گاو صندوقهای بانک فدرال رزرو نیویورک و بانک مرکزی انگلیس برای پوشش تقاضای اضافی محاسبه نشده فلز زرد به میزان ۲۳۰۰ تن فقط برای مدت پنجج سا کفایت میکند. البته، باید طلاهای خارجی نگهداری شده در سوئیس، کانادا و استرالیا را نیز به این محاسبات افزود. این مسئله منتفی نیست، که بانکهای مرکزی یکسری کشورها خارج از حوزه کشورهای «میلیاردر طلائی» به شیوه داوطلبانه- الزامی میتوانند در بازی طلائی قدرتهای پولی کشورهای «میلیاردر طلائی» شرکت نمایند. با احتساب این ذخیره های فلز گرانبها، «بازی طلائی» بانکهای مرکزی هنوز یکی- دو سال دیگر میتواند ادامه یابد. چنین است نگرش اریک سپروت و برخی کارشناسان دیگر در عرصه طلا.

۷- احتمال دارد «بازی طلائی» فردا به پایان برسد

«لحظه حقیقی» ممکن است حتی زود، پیش از آنکه سپروت پیش بینی میکند، فرا برسد. چرا؟ برای اینکه، به باور من، او در ارزیابی خویش برخی نکات تسریع کننده در ارتباط با تقاضا و عرضه طلا در بازار جهانی را در نظر نمیگیرد.

نکته اول- تقاضا برای طلا سرعت از سوی چین افزایش مییابد. شاخص رشد واردات طلا به جمهوری خلق چین بسیار بالاست. اگر در سال ۲۰۰۹ از طریق هنگ کنگ ۴۵ تن فلز زرد (طبق آخرین گزارش آماری) به چین وارد شد، در سال ۲۰۱۱ میزان واردات این فلز به رقم

۴۳۱ تن و در سال ۲۰۱۲ به رقم ۸۳۴ تن رسید. چین در چهارچوب سیاست طلای خود، مصمم است خرید طلا از بازارهای جهانی را گسترش دهد. خریدها در جهت تأمین نیازمندیهای رو به رشد صنایع زینتی، تقاضای سرمایه گذاری و افزایش ذخیره دولتی انجام میگیرد. سپروت در بررسی خود «عامل چین» را مورد توجه قرار داده ولی آن را دست کم گرفته است.

نکته دوم- پس از فرونشستن موج اول بحران مالی، بسیاری از بانکهای مرکزی خرید فلز زرد از بازارهای جهانی را شروع کردند. از سال ۲۰۰۹، همه بانکهای مرکزی در جهان در عرض دو دهه از فروشندگان خالص به خریداران خالص فلز زرد بدل شدند. خرید خالص طلا بواسطه بانکهای مرکزی جهان در سال ۲۰۱۱ به ۴۳۰ تن و در سال ۲۰۱۲، طبق برآوردهای اولیه، به ۵۰۰ رسید. فعالیتهای شدید بانکهای مرکزی کشورهایی مانند مکزیک (خرید خالص در سال ۲۰۱۱، ۹۸ /۹ تن)، روسیه (۹۴ /۴ تن)، ترکیه (۷۹ /۳ تن)، تایلند (۵۲ /۹ تن)، جمهوری کره (۴۰ /۱ تن)، قزاقستان (۱۴ /۹ تن) برای خرید طلا، در پشت این ارقام متوسط پنهان مانده است. اگر چه بانک مرکزی چین از سال ۲۰۰۹ موجودی ذخیره طلای خود را تغییر نداده، اما واضح است، که همچنان بعنوان بزرگترین خریدار فلز زرد در بازار جهانی بحساب میآید. آمارهای رسمی چینی این فعالیت بانک خلق چین را استتار میکند.

نکته سوم-، این نکته، یعنی، کاهش شدید عرضه طلا به شکل قراضه را خود اریک سپروت در گزارش سوم مورد توجه قرار داده است. در اولین دهه قرن بیست و یکم مقدار چنین عرضه ای بطور میانگین ۱۷۰۰ تن بوده و اکنون تا دو برابر کاهش یافته است. میانگین سالانه عرضه طلا نیز به همین سبب تا ۸۵۰ تن تقلیل یافته است.

نکته چهارم- سخن بر سر آن است، که برخی کشورهای جهان درخواستهای واقعی یا طرحهایی برای عودت ذخیره رسمی طلای خود به کشور را مطرح میکنند. آلمان در مورد بازگرداندن ذخیره طلایش از آمریکا، انگلیس و فرانسه (مجموعاً ۲۳۶۰ تن) مذاکره میکند. کشورهای هلند، سوئیس، اکوادور و آذربایجان در تدارک بازگرداندن طلای خود از خارج هستند. کارزار برای عودت فلز زرد به کشور میتواند موجب ترس و وحشتی بشود که دهها کشور جهان را فراگیرد. بر اساس برخی گزارشها، طلای ۶۰ کشور جهان فقط در خزانه بانک فدرال رزو نیویورک نگهداری میشود)...

بدین ترتیب، میتوان گفت، که امروزه مرحله نهائی پاکسازی انبارهای بانکهای مرکزی کشورهای منطقه «میلیاردرهای طلائی» رو به پایان است. **طلا ممکن است هر لحظه تمام شود. احتمال دارد تا کنون تمام شده باشد.** وجود طلای تنگستنی یکی از علائم این رسوائی بحساب میآید. سوءظن قوی وجود دارد، که آن را (برخلاف ادعای برخی رسانه های جمعی) نه چینی ها، بلکه، صاحبان واقعی بانکهای مرکزی کشورهای منطقه «میلیاردرهای طلائی» اختراع کردند. مشکل بتوان تصور کرد، که این اربابان هنوز هم میتوانند از توهم وجود طلا در خزانه های بانکهای مرکزی پشتیبانی کنند. آتش رسوائی زبانه میکشد. و خود آن میتواند پیامدهای اقتصادی و سیاسی جهانی داشته باشد.